

وطن دوستی

بیای وطندار حشمت اثر
به افغان به آئین افغان نگر
ازین آتش و خون نکه کن وطن
شروع کن به اصلاح و حسن سخن
مکن گوهر همدلی پایمال
که وحدت نگیرد ز ملت زوال
به خون برادر میلای دست
مکن گردن سر فرازان پست
میز آبروی وطندار خود
به کشتن مده قوم حقدار خود
تو نمایی چنین بسم گذاری کنی
به دشت روان اتحاری کنی
ستم بر مصالح روا داشتن
به تاین اصلاح شر انداختن
به ذلت نهادن زن و دختران
بهر کشور و خاک شیون کنان
نباشد روادر اساسات تان
نباشد رسوم نیاکان تان
نکه کن که قرآن چه فرموده است
انخت به مومن موکد شده است
به حب وطن یک جهت باز کن
به رفع نفاق از دل آواز کن
ترحم بر اولاد و احفاد کن
حیات عمومی مسراعات کن
بدین بیت سعدی چه معنی فشرد
که دلسوزی بر مور لازم شمرد
(مروت نباشد که این مور ریش
پراکنده گردد ز ماوای خویش)
تو هم ای برادر به افغان خود
کرم کن به بهمنوع پاشان خود
وطن در سقوط آری ، ملت تنه
چنین جسم در شرع باشد گناه